

# به سوی جنگ داخلی در اسرائیل

از یوری اونیری، سرباز قدیمی اسرائیل و نماینده کنیست به مدت ده سال  
و رئیس يك انجمن طرفدار صلح (گوش شالوم) - ۲۳ اکتبر ۲۰۰۴

همه از جنگ بعدی صحبت می کنند. پربیننده ترین کانال تلویزیونی هم برنامه های مفصلی درباره آن پخش می کند. منظور نه جنگ با اعراب است، نه تهدید جنگ اتمی ایران و نه درگیری های خونین روزمره با فلسطینی ها. صحبت از جنگ داخلی آینده است..

تا همین چند ماه پیش، چنین حرفی چرند و نامعقول می نمود، اما ناگهان به صورت امری ممکن و حتی واقعی درآمده است. این نه فیلی ست که رسانه های گروهی به پا کرده باشند، نه یکی دیگر از مانورهای سرگرم کننده سیاسی شارون است و نه باجگیری جدید کولون ها (مهاجران و مستعمره نشینان)، بلکه واقعیتی ست روی زمین. در ملاقات های وزیران، در جلسات کنیست (پارلمان اسرائیل)، در برنامه های مستقیم تلویزیونی، در سرمقاله ها و ستونهای خبری روزنامه ها، همه جا صحبت از آن در میان است.

رئیس ستاد ارتش اخطار کرده است که ارتش ممکن است تنها بماند. یکی از وزرا می گوید که موجودیت اسرائیل در خطر است و وزیر دیگر پیش بینی می کند که يك حمام خون از نوع جنگ داخلی اسپانیا در راه است. شین بت [سازمان اطلاعاتی اسرائیل] به آرامی (که چندان هم آرام نیست)، احتیاطات لازمه را به کار می گیرد. به زندانها دستور داده شده است که خود را برای پذیرش تعداد انبوهی از زندانیان آماده کنند. فرماندهی ارتش طرحی برای فراخواندن ۱۰ هزار سرباز نخیره آماده می کند و در این اندیشه است که در صورت لزوم چه قدم هایی را باید بردارد.

آری این يك تهدید واقعی ست. ممکن است به نظر برخی برسد که چنین خطری از هیچ جا به چشم نمی خورد، ولی کسی که چشم داشته باشد درک می کند که دیر یا زود رخ خواهد داد.

بذر جنگ داخلی زمانی اقیانوس شده که نخستین کولونی (شهرک مهاجرنشین یا مستعمره) در سرزمین های اشغالی برپا گردید. در آن زمان، من خطاب به نخست وزیر وقت، در کنیست گفتم: «شما دارید مین می کارید. روزی مجبور خواهید شد که مین ها را جمع کنید. بگذارید من به عنوان يك سرباز قدیمی به شما اخطار کنم که جمع کردن مین از زمین های مین کاری شده کار تلخ و دشواری ست.»

از آن زمان به بعد، صدها نوع از این مین ها کاشته شده و زمین های مین کاری شده هنوز هم گسترش می یابد.

این فرآیند را دسته های مذهبی آغاز کردند. هدف اعلام شده آنان، آنطور که خود گفته و هرگز از تکرار آن خسته نشده اند این است که اعراب را از سرزمین هایی که خداوند به یهودیان وعده کرده بیرون کنند. آنطور که یکی از اینان چند روز پیش در تلویزیون به ما یادآوری کرد، سرزمینی که خداوند به ما وعده داده نه «فلسطین» تحت قیمومت بریتانیا [رسماً از ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۳ تا ۱۵ مه ۱۹۴۸]، بلکه سرزمین موعودی ست شامل اردن، لبنان، بخش هایی از سوریه و سینا. و یکی دیگر با نقل قول از تورات گفت ما به اینجا آمده ایم نه برای اینکه از این سرزمین ارث ببریم، بلکه برای آنکه دیگران را از ارث بردن از آن محروم کنیم و آنان را از اینجا بیرون بیندازیم. از آن زمانی که شیمون پرنز، وزیر دفاع وقت، نخستین کولونی (به نام کدومیم) را در وسط يك منطقه مسکونی فلسطینی ساحل غربی بنا کرد، کولونی ها مانند ملخ همه جا پراکنده اند. کولونی ها به تدریج، زمین و آب را از روستاهای فلسطینی مجاور دزدیده،

درختها را ریشه کن کرده، راهها را بسته و جاده های تازه کشیده اند که عبور فلسطینی ها از آنها ممنوع است. تقریباً تمام کولونی ها، تأسیساتی تابع خودشان بر تپه های مجاور مستقر کرده اند.

این چیزی ست که هم اکنون جریان دارد. پس از آنکه شارون رسماً به بوش وعده داد که برخی از این تأسیسات را از بین ببرد، دهها تأسیسات جدید بر سر تپه ها سبز شده اند. همهء وزارتخانه ها فعالانه به تأسیساتی که رسماً غیرقانونی شمرده می شوند یاری می رسانند. نه تنها ارتش از آنها دفاع می کند و در نتیجه سربازان را به بدآموزی می کشاند، بلکه واقعاً به جوانان مستقر بر سر تپه ها می گوید کجا برای خود مقرهای جدید برپا کنند و مخفیانه به آنان یاد می دهد که چگونه گشت بزنند.

وقتی ما از وقوع خطر هشدار می دادیم به ما می گفتند آرام باشید و به ما اطمینان می دادند که تنها اقلیتی از کولونها از باندهای متعصب تشکیل شده است و اضافه می کردند که اینها البته دیوانه اند و دربرابر هر کوششی برای انتقال از آنجا مقاومت خواهند کرد ولی این مسألهء مهمی نیست، زیرا اکثریت وسیعی از شهروندان اسرائیل از آنان متنفرند و از آنان به عنوان سکت یاد می کنند.

به ما می گفتند اغلب کولون ها متعصب نیستند. آنها به آنجا رفته اند زیرا دولت ویلاهای گران قیمتی به آنها داده که در خود اسرائیل خوابش را هم نمی بینند. آنها به دنبال «کیفیت زندگی» هستند. وقتی دولت به آنها دستور دهد که از آنجا بروند غرامت می گیرند و می روند.

این البته يك فریب خطرناك است. همان طور که کارل مارکس گفته است: آگاهی انسانها با موقعیت اجتماعی شان تعیین می شود. طرفداران حزب کار که به دست دولت این حزب در ساحل غربی و نوار غزه اسکان داده شده اند امروز رفتارشان مثل بدترین پیروان خاخام فاشیست مائیر کاهان است.

علاوه بر اینها به ما گفته می شد که حتی غریبه ها دموکراسی اسرائیل را به رسمیت می شناسند. هیچکس به روی سربازان ارتش اسرائیل دست بلند نخواهد کرد. زمانی که دولت و مجلس تصمیم به تخلیهء کولونی ها بگیرند آنها اطاعت خواهند کرد. آنها ممکن است نمایشی از مقاومت درآورند، همان کاری که در سال ۱۹۸۲ در زمان تخلیهء کولونی های شمال سینا انجام دادند ولی غروب همان روز تسلیم می شوند. سرانجام در شمال سینا حتی يك کولون هم از پذیرفتن غرامت سر باز نزد.

اما این اهانت به کولون ها کم خطرتر از اهانت به اعراب نیست. آنچه همواره پنهان نگاه داشته شده بود امروز آشکار می شود. کولون ها هیچ اهمیتی به دموکراسی و نهادهای دولتی نمی دهند. عقاید قلبی شان چنین چیزهایی را رد می کند. وقتی مصوبات مجلس با قوانین مذهبی یهود تضاد داشته باشد، مذهب اولویت دارد. دست آخر اینکه معتقدند کنیست (مجلس) باند فاسدی از سیاستبازان است و قوانین ساختهء بشر را نمی توان با کلام مقدس الهی مقایسه کرد.

بسیاری از کولون ها هنوز به صراحت چنین چیزی نمی گویند و وقتی چنین رفتاری به آنان نسبت داده شود وانمود می کنند که گویی به آنها دشنام داده شده ولی در واقع با همان عقیدهء قلبی و سرسختانهء خود که قبلاً همهء ماسک هایش را کنار زده اند به چنین مواضعی کشیده می شوند. آنها نه تنها دربرابر سیاست دولت، بلکه دربرابر دموکراسی اسرائیل نیز می ایستند و صریحاً می گویند که هدفشان براندازی دولت قانون و جایگزینی آن با دولت دینی ست.

دولت قانون ناشی از ارادهء اکثریت است که قوانینی را وضع یا اصلاح می کند ولی دولت مذهبی ناشی از تورات است که در کوه سینا [به موسی] نازل شده و غیرقابل تغییر است. تنها شمار اندکی از خاخام های برجسته می توانند احکام الهی را تفسیر کنند. این البته با دموکراسی ناسازگار است. چنین افرادی را در هر کشور دیگری فاشیست می نامند. رنگ های متفاوت مذهبی تغییری در این امر نمی دهد.

شورشیان دست راستی مذهبی قویاً بسیج شده اند. بسیاری از آنان به کابالا (قبلاً یعنی اسرار نهانی تورات)، نه کابالای مد شده خانم مادونا، باور دارند که بنا بر آن، یهودیان لائیک امروز، در واقع، همان «آمالکیت ها» هستند که وقتی بنی اسرائیل از مصر اخراج می شدند توانستند بین آنان نفوذ و رسوخ کنند. خداوند نیز همان طور که همگان می دانند، دستور داده است که «آمالیک» را از صحنه زمین پاک کنند. آیا پایه آیدئولوژیک کامل تری برای جنگ داخلی می توان یافت.

چرا این امر در لحظه معین کنونی به صورت تهدیدی درآمده است؟ هنوز روشن نیست که آیا واقعاً شارون تصمیم دارد معدود کولونی های نوار غزه را برچیند یا نه. ولی به نظر کولون ها حتی فکر برچیدن یک کولونی می تواند آتش خصومت را بین دو دسته موافق و مخالف دامن بزند، چرا که این امر هرآنچه را که مقدس است مورد حمله قرار می دهد. شارون کوشید آنان را قانع کند که این فقط یک فداکاری کوچک است برای نجات سایر کولونی ها، ولی موفق نشد.

کولون ها در تدارک شورش بزرگشان، پرده از امکانات بالقوه خویش برگرفتند. برجسته ترین خاخام های «جنبش صهیونیستی مذهبی» اعلام کرده اند که تخلیه یک کولونی گناه است و نافرمانی از دستور خداوند و از سربازان خواسته اند که از اجرای فرمان ها امتناع کنند. صدها خاخام از جمله خاخام های کولونی ها و خاخام های یکان های مذهبی ارتش به این فراخوان پیوسته اند.

صدای مخالفان معدود و اصلاح طلبان مذهبی را خفه کرده اند. اینان آیات تلمود را نقل می کنند که «از قانون مملکت باید تبعیت کرد» یعنی باید تابع دولت بود. همان چیزی که مسیحیان معتقدند که آنچه متعلق به قیصر است باید به قیصر واگذار نمود و غیره، اما چه کسی به این «خاخام های میانه رو» گوش فرا می دهد.

تسخیر ارتش از درون از مدتها پیش آغاز شد. «قرار و مدار» با مدارس مذهبی گذارده شد تا یکان های جداگانه ای در ارتش داشته باشند و آنان اجازه یافتند که اسب تروای بزرگی به درون ارتش بفرستند. در هر رودرویی بین خاخام ها و فرماندهان ارتش، سربازان وابسته به قرار و مدارهای مذهبی از خاخام ها پیروی می کنند، و از این هم بدتر، سالهاست که کولون ها به طور سیستماتیک در رده افسران ارتش نفوذ می کنند و امروز اسب تروای به مراتب خطرناک تری هستند.

نافرمانی و اعتراض دست راستی ها اصلاً مانند اعتراض و نافرمانی دست چپی ها نیست. نافرمانی دست چپی ها موضعی شخصی ست، حال آنکه نافرمانی دست راستی ها یک شورش دستجمعی ست. در جناح چپ، چند صد نفر هستند که از خدمت نظام در مناطق اشغالی سر باز زده اند، اما در جناح راست، هزاران نفر و حتی دهها هزار نفر برای نافرمانی از خاخام هاشان تبعیت خواهند کرد. همان طور که رئیس ستاد ارتش اخطار کرده ارتش ممکن است چند دسته شود.

کولون ها همراه با همپیمانان شان در اسرائیل که دانشجویان مدارس مذهبی را دربر می گیرد شمارشان ممکن است به حدود نیم میلیون برسد که خود نیروی مهمی برای شورش محسوب می گردد.

کولون ها تا کنون از این تهدید برای باج خواهی و ممانعت استفاده کرده اند تا فکر تخلیه سرزمین های اشغالی را در نطفه خفه کنند. ولی اگر این باج خواهی موفق نشود شورش بزرگ، دیر یا زود، فرا خواهد رسید.

ترجمه برای اندیشه و پیکار